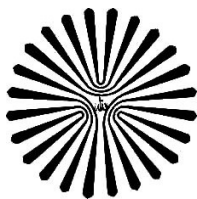


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات و علوم انسانی
گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

عنوان پایان نامه :

نقش روحانیت شیعه در برابر سیاست های مذهبی دوران پهلوی اول

نگارش :

محمد حسین قالیباف

استاد راهنما :

دکتر گلناز سعیدی

استاد مشاور :

دکتر اصغر قائدان

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ تشیع

اسفند ۱۳۹۰

تقدیم بہ

سپاس آفرینندہی بی ہمانند را کہ بہ من زندگی داد و بر اندیشہ ام تابندگی بخشید، سر تسلیم و بندگی بر آستان مہر
آفرینی میسایم کہ تنها لطف او بود کہ مرایاری کرد.

تقدیم بہ آنانکہ صبورانہ، در این راہ مرایاری نمودند؛

ہمسرم، کہ در تمام محظرات صمیمانہ ہمراہی ام کرد

مادرم کہ استواری را بہ من آموخت

سگوفہ زندگی ام (امیر عباس) کہ با نکاہش، مستقیم را روشنی بخشید

و تقدیم بہ روح بزرگوار پدرم کہ ہمیشہ درس قوت، جوانمردی و استقامت را بہ من آموخت کسی کہ ز فرمہ ہای

دلنشیں ہمیشہ گوشم را نوازش می دہد کہ «اگر انسان می خواہد بہ جایی برسد باید کسب علم نماید» روح شاد و فردوس

برین قرین آراش باد.

مشکر

سپاس فراوان ایزدمنان را که بهره مندی از محضر پر فیض اساتید کرامت‌دور و فرزانه را به من ارزانی داشت از استاد بزرگوار و دانشمند سرکار خانم دکتر سعیدی که راه‌نمایی این رساله را به عهده داشتند و دلسوزانه در تمام مراحل تحقیق یاری ام نمودند، صمیمانه سپاسگزارم؛ همچنین از زحمات بی دریغ استاد فرزانه جناب آقای دکتر اصغر قاندان، مشاور رساله که با راه‌نمایی‌های ارزشمندشان در سبب‌های تازه از پژوهش و تحقیق را به رویم گشودند قدر دانی می‌نمایم. از سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران که پشتوانه و مشوق اصلی در این راه بوده‌اند و نیز سایر کارکنان سازمان و اداره عقیدتی سیاسی نذاجات قدیر و شکر می‌کنم.

شماره
تاریخ
پیوست



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران
الم علم و کتب الشرح و التمهيد والترجمه



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجمع علوم انسانی

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع

تحت عنوان:

" نقش روحانیت شیعه در مقابله با سیاستهای مذهبی پهلوی اول "

نام و نام خانوادگی: آقای محمدحسین قالیباف به شماره دانشجویی: ۸۶۷۱۰۶۳۴۷

زمان: پنجشنبه ۹۰/۰۶/۳۱ ساعت: ۱۳/۰۰-۱۲/۰۰

درجه ارزشیابی: *صالح*

۱۷/۵
هفته

نمره:

هیات داوران:

| امضاء | مرتبه علمی | نام و نام خانوادگی | داوران |
|-------|------------|--------------------|---------------------------|
| | استاد | دکتر سعیدی | ۱- استاد راهنما: |
| | | دکتر قاندان | ۲- استاد مشاور: |
| | | دکتر ایزدی | ۳- استاد داور: |
| | | دکتر آذر | ۴- نماینده تحصیلات تکمیلی |

تهران، خیابان استاد نجات الهی
نرسیده به خیابان کریمخان زند
چهارراه سپهبد، پلاک ۲۳۳
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰
دورنگار: ۸۸۸۹۰۵۳۶

WWW.TPNU.AC.IR
ensani@tpnu.ac.ir

چکیده

حکومت رضا شاه از دیدگاه سیاسی، فرهنگی و مذهبی در تاریخ ایران قابل توجه و بررسی دقیق می باشد. رابطه دین و دولت که بعنوان یک اصل مهم در دوران بعد از اسلام همواره مورد توجه حکام و پادشاهان طول تاریخ بوده است. در دوران شانزده ساله حکومت پهلوی اول سیاست، فرهنگ و مذهب ایران دست خوش دگرگونی عمیق و اساسی قرار گرفت. رژیم سعی داشت تا نهاد مذهبی را همچون سایر نهاد های فرهنگی تحت نفوذ خود در آورد. اما هدف غایی رژیم آن بود که خاصیت اجتماعی مذهب را از بین ببرد مجموع سیاست های فرهنگی و آموزشی در این دوره روند حکومت پهلوی بر اساس تجدد و غربگرایی و مبارزه با مذهب را دنبال می کرد.

پس از استحکام پایه های رژیم پهلوی مظاهر نوگرایی و تجدد خواهی با شدت بیشتری پیگیری و مورد توجه قرار گرفت و تمامی شئون اجتماعی نمودی عینی یافت. شعائر مذهبی به تدریج از صحنه زدوده شد. سیاست مذهبی رضا شاه در راستای باورهای غربی تغییر یافت و به موازات مبارزه با شعائر اسلامی و مذهبی، تعریف و تمجید و تبلیغ ادیان باستانی مجدداً دنبال شد. به این ترتیب برنامه تغییر الگوهای فرهنگی شامل چهار مرحله اجراء شد.

۱- تظاهر به اسلام با شرکت در مراسم مذهبی

۲- بی اعتنایی به شعائر و اعتقادات مذهبی

۳- احیای فرهنگ باستانی به منظور جایگزین کردن باور های دینی و مذهبی

۴- رواج انحرافات اجتماعی و حمایت از فرقه های ضاله

با توجه به شرایط حاکم و اوضاع سیاسی بسیاری از روحانیون داخل و خارج از کشور در مرحله نخست با سلطنت شاه اجماع داشتند. تعداد روحانیونی که در شروع تغییر رژیم آشکارا با رضا خان مخالفت می کردند اندک بودند. نیاز عمومی کشور به یک دولت متمرکز و تبلیغات پیرامون شخص رضا خان که با گرایش مذهبی او به روحانیت و اسلام همراه بود منجر به هواداری بخشهایی از روحانیت نسبت به رضا خان شد. با اجرای برنامه سیاسی و اجتماعی رژیم شاه بیشترین ضربات فرهنگی، بر پیکر دین و شعائر مذهبی مردم وارد ساخت. بدیهی است که روحانیون به عنوان جدی ترین مخالفان مطرح شوند. البته انگیزه مخالفت روحانیت یکسان و مشابه نبود. در بررسی انگیزه های مخالفت های روحانیون آمیزه ای از انگیزه های مذهبی، سیاسی و ملی را می توان جستجو کرد.

کلید واژه: شیعه، مشروطیت، رضاه شاه، سیاست، پهلوی، مذهب

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|------------|
| یک | مقدمه..... |

کلیات تحقیق

| | |
|---|------------------------|
| ۳ | تعریف مساله..... |
| ۳ | سوال اصلی تحقیق..... |
| ۳ | سوالات فرعی تحقیق..... |
| ۴ | فرضیه اصلی..... |
| ۴ | فرضیات فرعی..... |
| ۴ | اهداف تحقیق..... |
| ۴ | هدف کلی..... |
| ۴ | اهداف جزئی..... |
| ۴ | روش تحقیق..... |
| ۵ | پیشینه تحقیق..... |

فصل اول: عملکرد علمای شیعه تا دهه دوم قدرت رضاخان

| | |
|----|--|
| ۷ | ۱-۱- انقلاب مشروطیت..... |
| ۱۳ | ۱-۱-۱- آغاز نهضت مشروطیت و نقش روحانیت شیعه..... |
| ۱۶ | ۱-۱-۲- نقش روحانیت شیعه در حیات مشروطیت..... |
| ۲۱ | ۱-۱-۳- قیام شهید محمد خیابانی..... |
| ۲۵ | ۱-۱-۴- عدم حمایت جدی بخشی از روحانیت شیعه در نهضت مشروطیت..... |
| ۲۷ | ۱-۲-۱- مدرس، فقیه مجاهد..... |
| ۲۸ | ۱-۲-۱- مدرس و مجلس..... |
| ۳۰ | ۱-۲-۳- توصیف مدرس از زبان ملک الشعراء بهار..... |
| ۴۵ | ۱-۲-۴- سیلی خوردن مدرس..... |

فصل دوم: سیاست مذهبی رضاخان قبل از حکومت

| | |
|----|--|
| ۵۸ | ۱-۲- رویکرد رضاخان به دین و مذهب قبل از حکومت..... |
| ۵۹ | ۱-۲-۱- ریاکاری شاهان پهلوی..... |
| ۶۲ | ۱-۲-۲- مرام دینی رضا خان..... |
| ۶۵ | ۱-۲-۳- رضاخان و شیخ خزعلی و زیارت عتبات عالیات..... |
| ۶۹ | ۱-۲-۴- عوام فریبی رضاشاه در اشعار محمد تقی بهار..... |
| ۷۰ | ۲-۲- اقدامات عملی رضاخان در تظاهر به مذهب..... |
| ۷۰ | ۲-۲-۱- کمیسیون حرمین شریفین..... |

- ۲-۲-۲-سوگند در مجلس.....۷۴
- ۲-۲-۳-ایجاد رابطه با علما.....۷۶
- ۲-۲-۴-استقبال رضاخان در بازگشت روحانیون اخراجی از عراق.....۷۹
- ۲-۳-۱-ایجاد رابطه با مدرس.....۸۳
- ۲-۳-۱-علائق مذهبی در خاندان پهلوی و رواج تشیع شاهانه.....۸۵
- ۲-۳-۲-زمینه های ستیز با مذهب و روحانیت.....۸۷

فصل سوم: سیاست مذهبی رضاخان پس از تثبیت قدرت

- ۳-۱-۱-ضدیت هیئت حاکم با اسلام و پیشوایان مذهبی و مسلمین.....۱۰۸
- ۳-۱-۱-رویکرد رضا شاه نسبت به دین و روحانیت پس از تثبیت قدرت.....۱۰۹
- ۳-۱-۲-کینه رضا شاه نسبت به روحانیت.....۱۱۱
- ۳-۱-۳-آغاز مقابله با روحانیت.....۱۱۲
- ۳-۱-۴-دومین برخورد بین علما و روحانیون (قانون نظام اجباری).....۱۱۸
- ۳-۱-۵-نوسازی مذهبی.....۱۲۰
- ۳-۲-۱-زیرپانهادهن احکام و شعائر اسلامی.....۱۲۶
- ۳-۲-۱-مبارزه با خرافات.....۱۲۸
- ۳-۲-۲-محدودیت مراسم های مذهبی (سوگواری، تحریم، نماز جماعت).....۱۳۱
- ۳-۳-۱-کنترل فعالیت های فرهنگی و علمی حوزه۱۳۸
- ۳-۳-۱-ایجاد مؤسسه وعظ و خطابه.....۱۳۸
- ۳-۳-۲-فروختن موقوفات.....۱۴۰
- ۳-۳-۳-ایجاد دانشکده معقول و منقول.....۱۴۵
- ۳-۴-۱-هدف اصلی رضا خان از کشف حجاب و قانون متحدالشکل کردن لباس.....۱۵۴
- ۳-۴-۱-رفع حجاب برای مقابله با روحانیت.....۱۵۸
- ۳-۴-۲-حضور رضا خان و خانواده اش در مراسم کشف حجاب.....۱۶۰
- ۳-۴-۳-انتقاد اشرف پهلوی از عملکرد رضا خان.....۱۶۰
- ۳-۴-۴-تمدن از دیدگاه تاج الملوک (جریان کشف حجاب).....۱۶۱
- ۳-۴-۵-اعتراض محمد رضا به کشف حجاب.....۱۶۱
- ۳-۴-۶-رضا خان و غرب زدگی.....۱۶۲
- ۳-۵-۱-پیامد های کشف حجاب و متحد الشکل کردن لباس.....۱۶۲
- ۳-۵-۱-نقش و تاثیر گذاری تیمور تاش در سیاست کشف حجاب رضا خان.....۱۶۴
- ۳-۵-۲-تغییر هویت مردان و زنان غرب زده و تعامل آنها در جامعه مذهبی ایران.....۱۶۵
- ۳-۵-۳-برخورد تند با طلاب و حوزه ها۱۷۰
- ۳-۵-۴-زندانی شدن آیت الله طالقانی به علت مبارزه با کشف حجاب.....۱۷۱
- ۳-۵-۵-مخالفت علماء با کشف حجاب.....۱۷۴

فصل چهارم: نقش روحانیت در مقابله با انحرافات اجتماعی و فرقه ای

- ۱-۴-۱- موضع گیری علما در برابر کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس..... ۱۷۷
- ۱-۴-۱-۱- بررسی دیدگاه ها و عملکرد موافقان و مخالفان..... ۱۸۰
- ۱-۴-۲- فرقه های منحرف..... ۱۸۹
- ۱-۴-۲-۱- بهائیان گرایان..... ۱۸۹
- ۱-۴-۲-۲- عنایت رضا خان به بهائیان..... ۱۹۱
- ۱-۴-۲-۳- مبارزه روحانیت با بهائیان..... ۱۹۲
- ۱-۴-۲-۴- لابیگری..... ۱۹۳
- ۱-۴-۲-۵- مخالفت علماء با لابیگری..... ۱۹۵
- ۱-۴-۲-۶- نشریات ضاله..... ۱۹۶
- ۱-۴-۲-۷- صوفی گری..... ۲۰۰
- ۱-۴-۲-۸- مبارزات آیت ا. بروجردی با نشریات ضاله و صوفی گری..... ۲۰۱
- ۱-۴-۳- آئینهای غیراسلامی..... ۲۰۳
- ۱-۴-۳-۱- باستان گرایی دینی..... ۲۰۳
- ۱-۴-۳-۲- زرتشتی گرایی..... ۲۰۴
- ۱-۴-۴- حمایت رضا شاه از دگراندیشان مذهبی و جریانهای انحرافی..... ۲۱۰
- ۱-۴-۴-۱- شریعت سنگلجی..... ۲۱۰
- ۱-۴-۴-۲- مخالفت علماء با شریعت سنگلجی..... ۲۱۱
- ۱-۴-۴-۳- احمد کسروی..... ۲۱۲
- ۱-۴-۴-۴- مبارزه با کسروی..... ۲۱۵
- ۱-۴-۴-۵- مبارزات نواب صفوی با کسروی..... ۲۱۷
- ۱-۴-۴-۶- حزب کمونیست..... ۲۱۸
- ۱-۴-۴-۷- مبارزات آیت ا. سید یونس اردبیلی با عوامل کمونیستی..... ۲۲۶
- نتیجه گیری..... ۲۲۸
- منابع و مأخذ..... ۲۳۲
- تصاویر..... ۲۳۸

مقدمه

نقش مهمی که علما در انقلاب مشروطه به خصوص در اولین مراحل آن ایفا کرده اند بر همگان روشن است. ائتلافی را که در سال ۱۲۸۴ بین دو مجتهد برجسته تهران سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی برای سرنگون عین الدوله صورت گرفت غالباً نقطه آغاز انقلاب مشروطه به شمار می آید.

قبل از وقوع این انقلاب تقریباً به مدت یک قرن میان علماء برجسته و فرمانروایان قاجار در گیربهای پراکنده وجود داشت به دنبال تحریم تنباکو در سال ۱۲۷۰ در نخستین سال های قرن بیستم علماء بیش از پیش رهبری اعتراض علیه اخذ وام از قدرت های خارجی و واگذاری منابع اقتصادی به دول روسیه و انگلیس را بر عهده گرفتند.

پس از سال ۱۲۹۰ عده ای از علمای مستقل و غیر وابسته به نهاد مذهبی مانند سید حسن مدرس در اولین سالهی رژیم پهلوی و آیت الله ابوالقاسم کاشانی در دوران پس از جنگ همچنان به تلاش خود برای اجرای قانون اساسی ادامه دادند. فعالیت سیاسی آنها به مدت چندین دهه بصورت پراکنده بود.

تمایل خاندان پهلوی به تبدیل نظام شاهنشاهی ایران به یک دولت مدرن و مقتدر و حضور نیروهای غیر مذهبی چپ گرا و ملی گرا بر صحنه سیاست کشور، جهت گیری فرهنگی و سیاسی جامعه ایران را بارها دستخوش تغییر و تزلزل ساخت.

دوران شانزده ساله حکومت اول رضا شاه را می توان به درستی دوره خصومت شدید علیه فرهنگ و نهادهای اسلامی دانست. آنچه را صاحب نظران غربی با نظر موافق اصلاح و نوسازی نامیده اند عده ای از ایرانیان به مثابه هجوم به فرهنگ و سنت ها و هویتشان تلقی کرده اند.

فعالیت های سیاسی علمای ایرانی ساکن عراق با جنگ جهانی اول به پایان نرسید میرزا تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی هر دو با رژیم تحت الحمایه بریتانیا مخالفت می کردند. در سال ۱۳۰۲ آیت الله نائینی و آیت الله اصفهانی روانه ایران شدند.

آنها قبل از ترک ایران به مقصد عراق با رضا خان ملاقات کردند و از او که در آن هنگام وزیر جنگ بود درخواست نمودند که به شایعات تشکیل قریب الوقوع یک نظام جمهوری به زعامت او به جای سلسله قاجار پایان دهد.

جمهوری خواهی هراس آنها را برمی انگیزخت، زیرا حکومت غیر مذهبی کشور همسایه یعنی ترکیه را تداعی می کرد رضا خان بزودی در تلگرافی خطاب به علماء تهران اجابت این درخواست را اعلام کرد. او احتمالاً به ایجاد یک نظام جمهوری به عنوان وسیله برای دستیابی به قدرت تمایل داشت. یک استثناء مهم در مقابل عدم مخالفت عمومی علما با قدرت یافتن رضا شاه سید حسن مدرس بود. که با همکاری

دکتر مصدق همه تلاش خود را به کار گرفت تا بلاخره به خاطر مخالفت با قدرت طلبی رضا شاه به شهادت رسید .

گام اول: حمله رژیم پهلوی به موقعیت علماء در جامعه ایران با تصویب قانون نظام وظیفه در سال ۱۳۰۴ آغاز شد که به حکومت اجازه می داد از طلاب علوم دینی برای معاف کردن آنها از خدمت نظام امتحان بگیرد .

گام دوم: با محدود کردن حیطه قدرت محاکم شرع به مسائلی از قبیل ازدواج ، طلاق ، تعیین قیم در سال ۱۳۱۱ و پایان بخشیدن به کار کردهای ایشان در امور سه جلی ادامه یافت .

گام سوم: به دولت اجازه داد برای طلاب علوم دینی و صدور مجوز برای مدرسان مذهبی امتحان برگزار کند.

گام چهارم: در دسامبر ۱۹۲۸ میلادی رضا شاه به تقلید از آتاتورک قانون متحد الشکل کردن لباسها را اعلام کرد. که به موجب آن مردان ناگزیر بودند کلاه پهلوی بر سر بگذارند فقط علماء و طلابی که دولت مقام آنها را تایید می کرد از این قانون معاف بودند.

گام پنجم: در سال ۱۳۱۳ قانون موقوفات اجرا شده که برای اداره امور موقوفات و تصدی کارهایی که قبلاً توسط علماء انجام می گرفت به دولت قدرت تصمیم گیری وسیعی تفویض شد .

گام ششم: در سال ۱۳۱۴ قانون کشف حجاب صادر شد . با شدت وحدت به اجرا در آمده و در نظر عموم مردم ایران از همه اقدامات فوق سنگین تر و آزار دهنده تر بود.

علاوه بر کلیه این اقدامات مراسم مذهبی به خصوص مراسم عزاداری شهادت امام حسین (ع) محدود و ممنوع شد . هدف از این اقدامات ایجاد یک فرهنگ علی البدل تحت حمایت دولت بود که بر کیش مدر نیسم و ملی گرایی قومی استوار باشد. و سیطره فرهنگی اسلام در ایران را به تدریج از بین ببرد.

در مقابل سیاست های مذهبی رضا شاه و حکومت در همان اوایل یعنی در سال ۱۳۰۴ قیام کوچکی در اصفهان برپا شد که رهبری آن را دو تن از علما به نام های حاج آقا نورالله اصفهانی و ملا حسین فشارکی بر عهده داشتند که در مقابل قانون نظام اجباری شکل گرفت . حاج آقا نورالله و گروهی از تجار و پیشه وران رهسپار قم شدند و به راهپیمایی پرداختند.

چهار سال بعد جنبشی به رهبری علماء در اعتراض به خدمت اجباری نظام در تبریز برپا شد هنگامیکه هیات سر باز گیری از تهران وارد قم شدند تجار بازار هاو دکانهای خود را بستند و دو مجتهد برجسته به نامهای شیخ ابوالحسن انگجی و میرزا صادق این جنبش را در سال ۱۳۰۷ یکی از علماء قم بنام آیت الله بافقی در پی سرزنش زنان درباری که بدون حجاب برای زیارت وارد حرم حضرت معصومه (س) شده بودند . شخصاً مقابل رضا شاه قرار گرفت.

جدی ترین حادثه حکومت رضا شاه که بیش از هر واقعه ای طلیعه رویدادهای سال ۱۳۴۲ هجری شمسی و بعد از آن را شامل می شود. در سال ۱۳۱۴ در مشهد اتفاق افتاد. یکی از علماء برجسته شهر به نام حاج آقا حسین قمی مشهد را به قصد تهران ترک کرد تا شکایت خود را نسبت به کشف حجاب و لا ابا لیگری به گوش شاه برساند که در نهایت منجر به حادثه بزرگ مسجد گوهر شاد و بزرگترین قتل و عامی بود که رژیم شاه مرتکب شد. عده ای زیاد از روحانیون دستگیر و روانه زندان شدند و شیخ بهلول از مبارزین به افغانستان گریخت.

در واقع مهمترین واکنش علماء در مقابل سیاست های رضا شاه مبارزه با اسلام ستیزی و انحرافات اجتماعی بوده است اما مناسبات میان علما و دولت در سراسر این دوران همچنان مشکلات و معضلات در بر داشت و جنبش ها و افراد متعددی وجود داشتند که برای آنها دنبال کردن اهداف سیاسی، از دیدگاهشان نسبت به اسلام جدا نبود لذا تاریخ مداخله توده های مردم در صحنه سیاست ایران که با تحریم تنباکو در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی با تبعیت از فرمان آیت الله میرزا حسن شیرازی آغاز شده بود با انقلابی که امام خمینی (ره) آن را رهبری کرد وارد دوران جدید شد.

تعریف مسأله :

علمای شیعه همیشه بر این امر تکیه داشتند که دین اسلام و مذهب شیعه در ذات خود حافظ اسلام و ضد استبداد است و هیچ حکومت ظالمانه و مستبدی مورد تایید اسلام نبوده است. چرا که استبداد عامل تباهی و عقب ماندگی انسانها و جوامع بوده است. بی تردید روحانیت شیعه در طول تاریخ، همواره مرزداران مبانی و ارزشهای اسلامی بوده اند. سرنوشت اسلام واقعی به حضور و عملکرد حوزه و روحانیت گره خورده است. روحانیت شیعه کانون گرم حرکت های انقلابی و مبارزه بر ضد بی عدالتی بوده است و همواره در برابر اسلام ستیزی و تجاوز طاغوت ها محکم و استوار ایستاده و با افتخار به سربلندی رسیده است. علمای شیعه با توجه به جایگاه و نفوذی که در میان مردم داشته اند، در عرصه های گوناگون از جمله دوران پهلوی اول حضور یافته و در هدایت جریانهای اجتماعی سیاسی نیز سهم عظیمی داشته اند.

سوال اصلی تحقیق :

نقش روحانیت شیعه در برابر سیاست های مذهبی پهلوی اول چگونه بوده است؟

سوالات فرعی تحقیق :

۱- چگونه روحانیت در مقابله با تضعیف مذهب و ظلم ستیزی رضاشاه ایستادگی کرده است؟

۲- علت موفقیت روحانیت شیعه در مقابله با انحرافات اجتماعی و فرقه ای در عصر پهلوی اول چه

بوده است؟

فرضیه اصلی :

فرضیه اصلی چنین به نظر می رسد که روحانیت شیعه در برابر سیاست های مذهبی در دوران پهلوی اول ایستادگی کرده است.

فرضیات فرعی :

۱- روحانیت شیعه در تعمیق و ترویج اندیشه های دینی در عصر پهلوی اول گامهای موثری برداشته است.

۲- روحانیت شیعه با به کار گیری آموزه های دینی و علایق مذهبی مردم در مقابله با انحرافات اجتماعی و فرقه ای در عصر پهلوی اول ایستادگی است.

اهداف تحقیق :

پس از طرح مسأله و سوالات و فرضیات، این سوال به ذهن می رسد که هدف از این تحقیق چیست؟ روحانیت شیعه در برابر اسلام ستیزی رضا شاه و پاسداری از آموزه های شیعی نسبت به دیگر اقشار جامعه نقش موثری داشته است و توان هدایت و رهبری جامعه را دارد. برخلاف آنچه که بعضی معتقد هستند دین باید از سیاست جدا باشد و روحانیت تنها به عبادت و عزلت نشینی بپردازد و در امور سیاسی، اجتماعی و حکومتی دخالت نکند. هدف کلی و اهداف جزئی عبارتند از :

هدف کلی : اثبات نقش اساسی روحانیت شیعه در مقابله با اسلام ستیزی و پاسداری از

آموزه های دینی در عصر پهلوی اول.

اهداف جزئی :

۱. تعیین اهمیت و جایگاه روحانیت شیعه در عصر پهلوی اول
۲. تعیین نقش روحانیت شیعه در مقابله با اسلام ستیزی و آزادی خواهی و عدالت طلبی در عصر رضاشاه
۳. تعیین نقش روحانیت شیعه در روشنگری، تظاهر به مذهب رضا شاه

روش تحقیق :

کتابخانه ای - توصیفی

پیشینه تحقیق :

با وجود تحقیقات و تالیفاتی که از سوی محققان و نویسندگان داخلی و خارجی درباره تاریخ دوران پهلوی صورت گرفته ، اما لزوم نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتر درباره این دوره تاریخی محسوس تر می‌باشد. به گونه ای که پس از سقوط پهلوی و تغییر نظام حکومتی ایران اسلامی ما شاهد تحلیل های جدید و متفاوتی درباره این مقطع تاریخی می‌باشیم. اسناد و منابع فراوانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد رژیم پهلوی و شخص رضاخان بدست آمده، سیاست های متمایز فرهنگی و مذهبی این دوره را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

بررسی دیدگاه های روحانیون و اقدامات آنها در تاریخ معاصر و دوره پهلوی اول از موضوعاتی است که تحقیقات چندی را به خود اختصاص داده است از جمله کتابهایی که در این زمینه تالیف شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد. «نهضت روحانیون» نوشته‌ی علی دوانی «سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی» نوشته عباس مخبر «تاریخ بیست ساله ایران» نوشته‌ی حسین مکی، « ظهور و سقوط پهلوی» نوشته‌ی ارتشبد فردوست. «خاطرات و خطرات» نوشته مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطه) و غیره ... و مقالات بسیاری در مجلات داخلی و خارجی نوشته شده است که با واقعیت های اتفاق افتاده در زمان پهلوی تناقض و تفاوت هایی را در بردارد . به همین مناسبت ضروری است که پژوهشهای عمیق تری نسبت به این دوره و نقش و تاثیر روحانیت در حکومت پهلوی اول انجام پذیرد.

فصل اول

عملکرد علمای شیعه در عصر مشروطه

۱-۱- انقلاب مشروطیت

انقلاب مشروطیت یکی از بزرگترین رخداد‌های تاریخ معاصر ایران محسوب می‌گردد که تأثیرات فراوانی را در وضعیت رخداد‌های بعد از خود و تا به امروز ایران برجای گذاشته است و به همین ترتیب مخالفت‌ها، تحلیل‌ها و نقدهای فراوانی را به دنبال خود به‌همراه آورده است.

عده‌ای آن را مهم‌ترین حرکت مردمی ایران در راستای کسب آزادی و استقلال تاریخی می‌دانند. با توجه به اهمیت این انقلاب و میزان تأثیرگذاری آن در تحولات بعدی جامعه ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری - فرهنگی بررسی و شناخت نقش عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن ضروری می‌باشد و در این میان واضح است که نیروهای اجتماعی بویژه علماء و روحانیت نقش تعیین‌کننده در روند انقلاب مشروطه داشته‌اند. و تعدادی از آنها در شمار رهبران مشروطه به حساب می‌آیند. اعتقادات مذهبی مردم و نفوذ روحانیت در بین اقشار مختلف جامعه دو عامل مهمی بود که آنها را قادر ساخت نقش رهبریت را در انقلاب ایفا کنند.

«انقلاب مشروطیت برپایه نارضایتی‌های زمان ناصرالدین شاه که به حرکت‌های اعتراضی انجامید، شکل گرفت. این نارضایتی‌ها در زمان این پادشاه به اشکال گوناگون خود را نشان داد، که بارزترین نمونه آن در واقعه رژی یا قضیه تحریم تنباکو بود که منجر به نمایشی از چهره انقلاب بود.»^۱ دولت ناصرالدین شاه ناچار شد در برابر خواست عامه مردم امتیاز تنباکو را لغو نماید. اما سرکوب و مقاومت دربار و دولت ناصری سرانجام به ترور او انجامید و باعث گام‌های مهمی در راه نوسازی کشور بوسیله سیاستمداران و نخبگان برداشته شد.

«جمله «حکم محاربه با امام زمان (عج)» با توجه به اینکه شاه خود را ضل الله می‌دانست، مشروعیت شاه را مورد سوال قرار می‌دهد؛ و این جمله از حرام بودن یک درجه بالاتر و شدیدتر است. چرا که با وارد کردن مهدویت و تقدس فوق‌العاده نام مبارک امام عصر (عج) در مقابل سلطنت و عاقدین قرارداد، دیگر مشروعیتی و یا اعتباری برای دستگاه حکومت قاجاریه باقی نماند.

1 - ناظم الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. ص ۶

با این حکم نهضت روحانیت، اولین ضربه عمومی را بر پیکر سلطنت قاجار فرود آورد (۱۳۰۹ هـ. ق) که این ضربه و حرکت تمهید فکری - تاریخی برای مشروطه بود و ۱۵ سال بعد یعنی ۱۳۲۴ هـ. ق - در مشروطیت ضربه دوم بر قاجارها وارد آمد^۱

« اتحاد تدریجی کسانی که ایجاد عدالتخانه ی بی طرفی برای آنها ضرورت قطعی وفوری داشت با علمای روشنفکر که در واقعه تنباکو هم به حکوت مستبد لطمه سختی زده بودند تدریجاً در جلب بعضی از رجال دولت و اجزای ادارات هم تاثیر کرد. کسانی از این مجموع که از رکود و عقب ماندگی ایران در سیاست جهانی رنج می بردند. وضعف حکومت را درمقابل مصالح دولتهای اروپایی ناشی از فساد حکومت و فقدان قانون و عدالت می دیدند و ایجاد یک تحول اجتماعی امنی و قطعی را برای نیل ایران به ترقی لازم می شمردند در تأیید و رهبری این مطالبات اجتماعی محرک و مشاور علما و لحاظ و ارباب جراید شوند و در این امر شور و علاقه ای بیشتر نشان دادند.»^۲ مجموعه این حرکت تحت رهبری علما شکل گرفت و به کمک مردم، جراید، وعاظ و خطبا تبدیل به یک نهضت انقلابی گشت.

در واقع یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت این بود:

« به رسمیت شناختن حق و حقوق ملت و واگذاری حیاتی ترین نقش سیاسی به مردم در توسعه سیاسی است. بدین دلیل اصل هفتم متمم قانون اساسی بر تعطیل بردار نبودن اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تاکید دارد»^۳ پس از تحریم تنباکو به رهبری میرزا بزرگ دو جریان مهم در تاریخ بوجود آورد.

مردم ایران هم هوشمندانه برای حفظ ارزش های دینی و انقلابی از هیچ کوشش و فداکاری کوتاهی نکردند و با رهبری روحانیت شیعه در مقابل ظلم و ستم اجنبی ایستادگی کردند. رهبران این نهضت به ویژه روحانیت و مرجعیت شیعه بودند که پیشاپیش مردم در کنار آنها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. که اگر این هدایت و رهبری هوشمندانه مرجعیت نبود مطمئناً این نهضت به شکست می انجامید.

رشد افکار و اندیشه های سیاسی برای فراهم آوردن زمینه تحولات بنیادین در نظام اداری و سیاسی ایران و شکل گیری نهضت اسلامی بزرگتر در قالب قیام مشروطیت. ناصر الدین شاه در آستانه جشن

^۱- نجفی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۳۷

^۲- زرین کوب، روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط پهلوی). ص ۸۵۴

^۳- از غندی. تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ص ۲۰۴

پنجاهمین سال سلطنت خود در سال ۱۳۱۳ هجری قمری که به شکرانه سلطنت به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی به شهر ری رفته بود در بازگشت به دست میرزا رضای کرمانی ترور شد.

اندیشه های سیاسی میرزا رضا کرمانی که مدتها در ارتباط با سید جمال الدین اسدآبادی بود، بی تاثیر از این نهضت مشروطه نیست. حادثه ترور ناصر الدین شاه پیوند نهضت اسلامی با اندیشه های سیاسی سید جمال الدین محسوب می شود. پس از قتل ناصر الدین شاه مظفر الدین شاه به سلطنت رسید. در زمان وی اوضاع اقتصادی رو به وخامت بود. دامنه نهضت و مبارزات ملت گسترده تر و زمینه برای آگاه کردن عامه مردم فراهم گردید.

روحانیون و علما مردم را نسبت به حقوقشان بیشتر آگاه می کردند، ظلم و ستم حکومت و همچنین دخالت بیگانگان را برای مردم باز گو می کردند و آنها را برای مبارزه و پیشبرد اهداف نهضت تشویق می کردند.

«مردم ابتدا به صورت پراکنده و سپس در حرکتهای سازمان یافته به شیوه حکومتی شاه و درباریان اعتراض کردند اقشار و طبقات مختلف شهر نشین تلاش کردند تا با بهره گرفتن از روشهای سنتی یعنی بست نشینی* و مهاجرت و راهپیمایی، خواسته های خود را به اطلاع دولت برسانند.»^۱

مردم که از حکومت استبداد به ستوه آمده بودند، ظلم و ستم را از چشم مقامات کشوری و لشکری خصوصاً شاهزادگان و رجال دربار می دیدند لذا دست به شورش زدند و در چندین شهر قیام کردند که در نتیجه آن افراد زیادی به خاک و خون کشیده شدند. بالاخره کار معترضان به تعطیلی بازار و تحصن در زاویه حضرت عبدالعظیم انجامید و تعدادی از طلاب مدارس خواستار برکنار کردن علاء الدوله حاکم طهران بودند و نیز خواهان تاسیس عدالتخانه دولتی که مراد از آن ظاهراً یک دارلشوری ملی برای قانون گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون بود. اما با وجود سخن شاه که بر پایی عدالتخانه را وعده داد و عین الدوله را مامور اجرای آن کرد، کشمکش دولت با متحصنان به پایان نرسید و حتی بعد از بازگشت

* بست نشینی: عادت تحصن که ایرانیان آن را بست نشینی می نامند. همچنین بست نشینی نشانگر طرز برخورد مردم نسبت به دولت می باشد که به عنوان یک وسیله حمایت به شمار می آید. هنگامی که دولت در انجام وظیفه ای که از آن انتظار می رود، کوتاهی می کند، مردم با بست نشینی، دولت را به یاد انجام وظیفه خود می اندازند بست نشینی برای فراریان از قانون نیز امتیازی محسوب می گردید و مساجد و حتی طویله ی شاهی گاه مکان فراریان بود.»

۱- از غندی، پیشین، ص ۱۹۸

آنها به طهران نیز، صدر اعظم علاقه ای به اجرای دست خط شاهانه نشان نداد. تحولات بسیاری نیز برضد خواستاران عدالتخانه به راه افتاد. بعضی وعاظ که محرک عامه در مطالبه ی عدالتخانه وقانون بودند توقیف یا تبعید شدند، طباطبایی که در این کار صادقانه علاقه واصرار داشت یک بار به عین الدوله ویک بار هم به شاه نامه ای موثر ومستدل نوشت واز آنها ایفاء به وعده شاهانه وتاسیس سریع عدالتخانه را خواستار شد. در این بین که سعی عین الدوله در جلوگیری از این مطالبات ادامه داشت، در جریان اقدام به توقیف یک واعظ، شیخ محمد نام، طلبه جوانی به نام سید عبدالحمید هم به دست سربازان عین الدوله به قتل رسید وماجرای مخالفت با عین الدوله با شدت بیشتری دنبال شد، ضمن تظاهرات مربوط به این قتل، بازارها بسته شد. ومردم به عنوان اقامه مراسم ترحیم طلبه مقتول در مسجد جامع اجتماع کردند.

دسته های عزاداری به راه افتادند، قتل سید عبدالحمید باعث شورش احساسات عامه مردم علیه دولت شد. دولت در صدد تفرقه مردم برآمد. که با درگیری و شلیک های سربازان باعث شد عده ای دیگر کشته شوند، چون محاصره ی مسجد و مقاومت طرفین منجر به حوادث بدتری می شدروحانیون از مردم خواستند متفرق شوند.

پس از اینکه علما به قم مهاجرت کردند عده ای قصد داشتند در مسجد تحصن نمایند که متفرق شدند شهر به دست سربازان افتاد، خفقان وناامنی شدت گرفت و کوچکترین حرکت سرکوب می شد. افرادی که خواستار عدالتخانه بودند به خاطر امنیت جان خویش وقصد هیجان بیشتر در بین مردم چند روزی به باغ سفارت انگلیس پناه بردند.به تدریج عده پناهندگان که در حیاط سفارت در شهر متحصن شدند رو به افزونی گذاشت .

به دنبال آن بازار تعطیل گردید ودر کمتر از یک هفته عده متحصنان سفارت به سیزده هزار تن بالغ گشت واین جمله با نظم کامل در محوطه باغ سفارت چادرها برپا کردند وبه خرج خود - در واقع به کمک تجار بازار شام وناهار تمام این جمعیت تامین ودایر شد.

«روحانیون و بازرگانان با رهبری شخصیت های برجسته تهران مانند سید محمد طباطبایی* رسید عبدالله بهبهانی* در این موفقیت درخواست های خود را محدود به یک اقدام معنوی در جهت ایجاد حکومت قانون کردند.»^۲

این تحصن بزرگ علی رغم توطئه های که برای شکستن آن انجام گرفت مظفرالدین شاه را مجبور نمود که در ذیقعه ۱۳۲۳ به درخواست مردم تن در دهد و دست خطی خطاب به صدر اعظم (عین الدوله) برای تاسیس عدالتخانه دولتی صادر نماید.^۳

این دست خط بعنوان یکی از اسناد نهضت مشروطیت در تاریخ به ثبت رسید که ماهیت اسلامی نهضت مشروطیت را اثبات می کند. این عامل باعث شد که بست نشینان که مدت یک ماه تحصن کرده بودند به تهران باز گردند، ولی تخلف دولت از اجرای دستور وعده های شاه به دستگیری و تبعید عناصر نهضت، موجب گسترده گی قیام های مردمی از تهران به دیگر شهرستان ها شد.

جمعی از افراد نهضت به همراهی چند تن از علمای بزرگ راه قم را پیش گرفتند و در حرم حضرت معصومه (سلام... علیها) متحصن شدند و جمع کثیری ناآگاهانه در سفارت انگلیس بست نشستند و اعطای قانون اسلامی و افتتاح مجلس شورای ملی و عزل عین الدوله را از مقام صدارت اعظمی خواستار شدند. مظفرالدین شاه به ناچار پس از عزل عین الدوله در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه. ق فرمانی خطاب به صدر اعظم صادر نمود و دستور داد که مجلسی مشورتی از منتخبین شاهزادگان، علما، اعیان

* سید محمد طباطبایی: «یکی از علماء روحانی مشروطیت ایران است. وی فرزند سید صادق طباطبائی مجتهد معروف دوره ناصرالدین شاه می باشد. تولدش در سال ۱۲۵۸ ه. ق. در کربلاء اتفاق افتاد. پس از آنکه تحصیلات را آموخت نزد پدرش فقه و اصول را فرا گرفت. سپس به عراق عزیمت نمود و مدت ۱۰ سال به تکمیل خود پرداخت تا به مقام اجتهاد نائل آمد. و دو سال قبل از قتل ناصرالدین شاه به ایران آمد و به وظایف ملی و مذهبی مشغول شد. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه با مشروطه خواهان همدستان شد و برای برقراری حکومت مشروطیت تلاش زیاد کرد»

* سیدعبدالله... بهبهانی: سیدعبدالله... فرزند اسماعیل مجتهد بهبهانی بود. سیدعبدالله... پس از تحصیلات مقدماتی و علوم دینی به نجف رفت و از محضر شیخ انصاری و دیگر فضلاء استفاده کرد. پس از اخذ اجتهاد در سال ۱۲۹۵ ه. ق به تهران بازگشت. بهبهانی به عین الدوله گفت: طلاب را آزاد کن. عین الدوله جواب تفره داده و گفت آقا حق دخالت در کار دولت ندارد. با این اقدام عین الدوله و دیگر اقدامات او مخالفت مردم و علماء را بر خود خرید. پس از بازگشت شاه از اروپا بهبهانی با همراهی همصدائی سید محمد طباطبائی علماء به مخالفت دولت برخاست و خواهان تاسیس عدالتخانه و برکناری عین الدوله گردید.

۲- پیر آروی (ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی) تاریخ معاصر ایران، ص ۲۴۴

۳- عمید زنجانی، پیشین ص ۱۶۳